

گزیده بیانیه احمد مسعود به زبان فرانسه ۱

۱۴ اگوست ۲۰۲۱

پاریس، برای مردم افغانستان و همه مستضعفان زمین، همیشه پایتخت آزادی در جهان بوده است. در آوریل ۲۰۰۱ در پاریس بود که پدرم تنها سفر خود را به غرب قبل از اینکه چند ماه بعد در آستانه ۱۱ سپتامبر توسط دژخیمان به دست تروریست‌ها ترور شود، انجام داد. در پاریس بود که او بزرگترین جایزه را برای مبارزه مادام‌العمر خود با افراط‌گرایی دریافت کرد: استقبال پاریسی‌ها در حالی که لبخند بر لبانشان داشتند. نام او با نام مردم آزادخواه و مبارزان بزرگ مقاومت شما همراه خواهد بود و این برای همیشه

یادداشت احمد مسعود در واشنگتن پست ۲

۱۸ اگوست ۲۰۲۱

در سال ۱۹۹۸، زمانی که من ۹ ساله بودم، پدرم، فرمانده مجاهدان، احمد شاه مسعود، سربازان خود را در غاری در دره پنجشیر در شمال افغانستان جمع کرد. همان‌طور که دوست پدرم، فیلسوف فرانسوی برنارد هانری لوی، برای آنها سخنرانی می‌کرد، نشستند و گوش می‌دادند. لوی گفت: «وقتی برای آزادی خود می‌جنگید، برای آزادی ما نیز مبارزه می‌کنید.» پدرم در حالی که علیه رژیم طالبان می‌جنگید هرگز این را فراموش نکرد. او تا لحظه‌ای که در ۹ سپتامبر ۲۰۰۱ به دستور طالبان و القاعده ترور شد، برای سرنوشت افغانستان و همچنین برای غرب می‌جنگید. اکنون این مبارزه مشترک در این ساعات تاریک و پرتنش برای وطنم بیش از هر زمان دیگری ضروری است.

من امروز از دره پنجشیر می‌نویسم، آماده هستم تا راه پدرم را دنبال کنم، با مبارزان مجاهدی که آماده هستند تا بار دیگر با طالبان مقابله کنند. ما انبارهای مهمات و اسلحه داریم که از زمان پدرم با صبر و حوصله جمع‌آوری کرده‌ایم، زیرا می‌دانستیم ممکن است این روز فرا برسد. ما همچنین سلاح‌های حمل شده توسط افغان‌ها را داریم که در ۷۲ ساعت گذشته به درخواست من برای پیوستن به مقاومت در پنجشیر پاسخ داده‌اند. ما سربازانی از ارتش منظم افغانستان داریم که از تسلیم شدن فرماندهان خود منجر شده و اکنون با تجهیزات خود راهی تپه‌های پنجشیر می‌شوند. اعضای سابق نیروهای ویژه افغان نیز به مبارزه ما پیوسته‌اند. اما این کافی نیست. پرچم جبهه مقاومت ملی بر فراز هر موضعی که آنها تلاش کنند به اهتزاز درخواهد

احمد مسعود در معرفی برنارد هنری لوی در سفر لوی به افغانستان ۳

امروز در کنار یکی از دوستانی قرار داریم که اکثر مجاهدین دوران مقاومت که در کنار قهرمان ملی (احمد شاه مسعود) بودند پروفیسور را به یاد دارند. ایشان را در سال ۱۹۸۲ برای اولین بار همراه قهرمان ملی دیدم. در بسیاری از همکاری‌ها و کمک‌های تحصیلی و صحتی